

دوتا ۱۹۶	تعلیم ۴۸
	خدمات کلیسایی : آموزش بچه ها
T = معلم ۱	S = معلم ۲

(T) به برنامه " دوره شاگردسازی از رادیو " خوش آمدید . با کمک این مجموعه فرصت خواهید داشت تا در مورد زندگی عملی جامعه مسیحی یاد بگیرید . در حالیکه به این برنامه گوش می کنید در یک دفترچه ، یادداشت بردارید و یا برنامه را ضبط کنید . عنوان تعلیم امروز این است : آموزش بچه ها . تعلیم آخرین هفته را ادامه خواهیم داد و آنچه کتاب مقدس در مورد مسئولیت والدین نسبت به بزرگ کردن بچه ها تعلیم می دهد را یاد می دهیم این هفته بر تادیب و آموزش متمرکز می شویم .

(S) ادامه نکته ۲ . مسئولیت والدین نسبت به محبت کردن فرزندشان .

ادامه چهار . تادیب یعنی اجرای بلافاصله تادیب . چرا در بعضی مواقع خاص تنبیه با چوب ضروری می شود ؟ امثال ۲۲ : ۱۵ تعلیم می دهد ، " حماقت در وجود بچه نهفته است ولی تنبیه آن را از او بیرون می کند . " و امثال ۲۹ : ۱۵ - ۱۷ تعلیم می دهد ، " برای تربیت بچه چوب تادیب لازم است اگر او را به حال خود واگذاری و ادب نکنی باعث سرفکندگی مادرش خواهد شد . وقتی اشخاص بدکار به قدرت می رسند فساد زیاد می شود ولی قدرت آنها دوامی نخواهد داشت و نیکان سقوط آنها را به چشم خواهند دید فرزند خود را تادیب کن تا باعث شادی و آرامش فکر تو شود . " بچه ها بعضی مواقع کارهای احمقانه می کنند ، یا اخلاقی شرم آور با والدین خود دارند و یا در اجتماع مرتکب شرارت یا جرم می شوند . قسمت‌های مختلفی در امثال وجود دارد که تعلیم می دهند که در بعضی مواقع مجازات با چوب لازم است تا به بچه وجدانی راحت و به خانه صلح و آرامش ببخشد . لازم است برای اینکه او را از شرارت و حماقت برگرداند و روح او را از مرگ نجات بخشد . زمانیکه والدین سریعاً مجازات را انجام می دهند بچه حکیم بار می آید و آرامش به خانه و به قلب بچه ها و والدین باز می گردد .

(T) پنجم . تادیب یعنی همیشه انتظار اطاعت را داشتن . جامعه ۵ : تعلیم می دهد ، " بهتر است قول ندهی تا اینکه قول بدهی و انجام ندهی . " بهتر است که هرگز بچه ها را با تهدیداتی توخالی مواجه نسازید . مثلاً ، " اگر این کار را نکنی ، تو را تنبیه خواهم کرد . " تهدیدات باعث می شوند که بچه با ترس زندگی کند یا دروغ بگوید و یا مخفیانه نقشه بکشد که چطور از مجازات فرار کند . اما اگر یکی از والدین بچه را تهدید کند باید به آن هم عمل کنند . و اگر به این تهدیدات خود عمل نکنند پس بچه اعتقاد پیدا می کند که والدین او قابل اعتماد نیستند . او باید از بچه اطاعت را انتظار داشته باشد . او نباید تسلیم هوسهای بچه بشود . او نباید به بچه غر بزند و یا با او جرو بحث کند . اگر والدین تسلیم هوسهای بچه بشوند و یا غر بزنند که بچه از آنها اطاعت کند بچه نیز همیشه از این الگو برای فرار از مجازات استفاده خواهد کرد . والدین نباید برای بچه انتخاب کنند ، بلکه باید همیشه آنچه را که مسئولانه است از او انتظار داشته باشند . تادیب یعنی همیشه انتظار اطاعت را از بچه داشتن .

(S) شش . تادیب یعنی تشویق بچه به اینکه در راهی که باید برود قدم بگذارد . والدین نباید با افراط یا تقریط در تادیب ، بچه را به خشم تحریک کنند . کولسیان ۳ : ۲۱ می گوید ، " و شما ای پدران فرزندانان را انقدر سرزنش نکنید که دلسرد و دلشکسته شوند . " سرزنش کردن یعنی او را به خشم آوردن و یا تحریک کردن . والدین باید بچه خود را سخت تادیب کنند اما نه با اخلاقی تند . آنها نباید در مورد شخصیت بچه انتقاد کنند یا قضاوت کنند برای مثال به بچه بگویند ، " تو احمق هستی ، " " تو هیچوقت کسی را شریک نمی کنی ، " " تو همیشه تنبل هستی " . به این می گویند ترور شخصیت که بعد ها باعث مشکلات روانی در شخصیت بچه می شود . راههای بسیاری وجود دارند که باعث مایوس ساختن بچه ها می شود . یک راه این است که با خشم سر آنها داد بزند و چیزهای ناخوشایندی در مورد شخصیت آنها بخصوص در مقابل دیگران بگوید . امثال ۱۵ : ۱ تعلیم می دهد ، " جواب ملایم خشم را فرو می نشاند اما جواب تند آنرا بر می انگیزاند . " با مشاهده عکس العمل های بچه ها می توان فهمید که چه چیزهایی آنها را مایوس می سازد . برای مثال تحریک پذیر ، عصبانی ، افسرده ، منزوی می شوند و از والدین خود حمایت نمی کنند . این عکس العمل ها نشانگر این است که پدر باید شیوه رفتار خود با فرزندانش را عوض کند . تادیب باید فرزند را متوجه مسیر درست بکند اما نباید روح او را سرشکسته و مایوس بسازد .

(T) هفت . تادیب یعنی آرامش دادن به بچه بعد از توبه یا مجازات . بعد از اینکه بچه از گناهش توبه کرد و یا والدین بچه را بخاطر خطایش تنبیه کردند والدین باید او را بخشیده ، تسلی دهند و او را نسبت به محبت خود مطمئن بسازند . اگر والدین چنین نکنند ردپایی برای شیطان به جا می گذارند و بچه نیز تلخ و انتقامجو می شود . دوم قرنثیان ۲ : ۵ - ۸ تعلیم می دهد که بعد از مجازات ، والدین باید بچه را ببخشند و به او آرامش بدهند تا او از شدت غصه از پا در نیاید . والدین باید

محبت خود نسبت به بچه را دوباره تأیید کنند. این کار از طریق دعا کردن با بچه، با در آغوش گرفتن او و با گفتن به او که پدر و مادرش دوستش دارند بهتر انجام می شود.

(S) نکته ۳. مسئولیت والدین نسبت به تربیت کردن بچه.

اول. مفهوم تربیت چیست؟ امثال ۲۲: ۶ تعلیم می دهد، ” بچه را در راهی که باید برود تربیت کن و او تا آخر عمر از آن منحرف نخواهد شد. “ کلمه تربیت کردن یعنی سپردن بچه در راهی که خدا می خواهد او برود. یعنی آموزش و تربیت او در این راه. پس تعلیم مشابه با مفهوم آموزش و گوش کردن و همینطور یاد گرفتن را ندارد. باغبان تاکستان به تاک نمی گوید که چطور رشد کند. طبیعت چیزی بیشتر از فرضیه محض است. باغبان تاکستان باید تاک را هرس و کنترل کند جهت بدهد و او را به راهی که باید برود هدایت کند. دیرک هایی می سازد و بین آنها سیم می کشد تا تاک ها در مسیری که باید رشد کنند بروند. هر سال مرده ها را هرس می کند و شاخه های وحشی را می کند تا شاخه های سالم بهترین میوه را بیآورند.

(T) دوم. تربیت دارای چه روشهایی است؟ امثال ۲۲: ۶ و افسسیان ۶: ۴ تعلیم می دهد که تربیت دارای چهار جنبه مهم است:

یک. تربیت شامل به جا گذاشتن يك نمونه و دعا کردن است. نا امید کننده است که والدین سعی کنند حقیقتی را به بچه تعلیم دهند که خودشان آن را انجام نمی دهند. بهترین عادات قابل یاد دادن نیستند بلکه از طریق مشاهده نمونه والدین، حاصل می شوند. والدین باید برای مسئولیت تربیت فرزندان خود وابسته به خدا باشند. پس آنها باید دعا کنند خدا وعده داده که چیزی بیش از آنچه والدین برایش دعا کنند و یا حتی تصورش را بکنند انجام بدهد (افسسیان ۳: ۲۰).

دو. تربیت شامل تعلیم حقیقت است. بچه باید حقیقت، مهمترین باورها، ارزشها، اعتقادات و معیارهای زندگی ای که خدا را خشنود می سازند بدانند. او باید درک کند که حقیقت چرا مهم است، نسبت به آنچه مهم است و چرا مهم است بینش داشته باشد و حکمت حاصل کند و چگونه، کی و نسبت به چه کسی کار درست را انجام دهد. پس والدین باید در تعلیم حقیقت، ایجاد انگیزه برای محبت کردن و آموزش عاداتی عملی از کتاب مقدس استفاده کنند. همچنین باید برای پاسخ به سئوالات فرزندان از کتاب مقدس استفاده کنند.

سه. تربیت شامل عاداتی عملی است. بچه باید یاد بگیرد در زندگی خود از حقیقت اطاعت کند و آن را بکار ببرد. او با مشاهده نمونه والدین خود یاد می گیرد و با کمک آنها آن را انجام می دهد. و سپس احتیاج دارد که یاد بگیرد حقیقت را به تنهایی بکار ببرد ولی باز هم تحت نظارت آنها و بالاخره حقیقت را به صورت يك عادت انجام دهد و بدون نظارت آنها. او نیاز به مربیگری و تشویق دارد و والدین باید او را تشویق به استقامت کنند تا زمانیکه هدفش را انجام دهد. در زمینه به کار گیری عاداتها، والدین و بچه ها باید درک کنند که آزادی دارای محدودیتهایی است در نتیجه والدین باید جلوی انتخاب متعدد بچه را بگیرند.

در آموزش عاداتها، والدین هرگز نباید یکی را با دیگری مقایسه کنند چون خدا تمام بچه ها را متفاوت آفریده است. مقایسه کردن، انگیزه بچه را نابود میکند. والدین باید با تحسین کردن بچه به خاطر پیشرفت هایی که می کند و با دادن پاداشی که قبلا وعده آن را نداده بود به او انگیزه دهد.

چهار. تربیت شامل تادیب و اصلاح است. این به بچه کمک می کند که در راهی که باید برود قدم بگذارد. این قسمت قبلا تحت عنوان ” محبت کردن به وسیله تادیب “ مورد بحث قرار گرفته است. در زمینه تادیب، والدین باید بین نیاز بچه به اطمینان مجدد از محبت والدین از يك طرف و سرکشی بچه نسبت به اقتدار والدین از طرف دیگر تمیز قائل شوند. امثال ۱۰: ۱۷ می گوید، ” کسی که تادیب را می پذیرد در راه حیات گام بر می دارد اما کسی که نمی خواهد اصلاح گردد به گمراهی کشیده می شود. “

(S) سوم. مهمترین زمینه های تربیت کدامها هستند؟ در لوقا ۲: ۵۲ می خوانیم، ” عیسی در حکمت و قامت رشد می کرد و مورد پسند خدا و مردم بود. “ این آیه تأکید می کند که از نظر خدا چهار زمینه مهم می باشند: عقلی، جسمی، روحانی و زمینه های اجتماعی. زمینه عاطفی در زمینه جسمی و زمینه خدمت در زمینه روحانی قرار می گیرند. اختصاصی تر. از نظر تکامل بچه پنج زمینه مهم تربیت حیاتی به شمار می آیند:

يك. بچه را تربیت کنید تا از والدینش اطاعت کند. افسسیان ۶: ۱ فرمان می دهد، ” ای فرزندان پدر و مادر خود را اطاعت کنید که این کار درستی است. “ این نخستین و مهمترین حقیقتی است که به فرزندان تعلیم می دهید. و کلید تمام آموزشهای دیگر فرزندان است. اگر بچه ای یاد بگیرد که در هر چه که درست و صحیح است والدینش را اطاعت کند قادر خواهد بود که تمام جنبه های مهم تربیت خود را فرا گیرد. بعد ها از خدا و به علاوه از تمام مقامهای دولتی برتر از خود اطاعت خواهد کرد. اما بچه ای که اطاعت را یاد نمی گیرد به جز چیزهای شیرینانه و احمقانه هیچ مورد دیگری را یاد نخواهد گرفت. اطاعت کلید آموزش عاداتی خوب و شیوه زندگی است که خدا را خشنود خواهد ساخت او به والدین خود احترام خواهد گذاشت و در بنای کشور خود سهیم خواهد شد.

اگر بچه بزرگتر شده و والدین هنوز اطاعت را به او آموزش نداده اند دیرشروع کردن آموزش بهتر است تا اینکه هرگز آن را آغاز نکنند. والدین باید به بچه بگویند که موفق نشده اند به او اطاعت را بیاموزند و باید اشتباه خود را به خدا اعتراف و برای آن دعا کنند. خدا خواهد بخشید و به والدین حکمت جدیدی برای تعلیم فرزندشان می بخشد. بعد از آن والدین باید فوراً آموزش اطاعت به بچه را شروع کنند. اگر والدین در تادیب نااطاعتی و سرکشی بچه غفلت کنند، در واقع بچه را طوری تربیت می کنند که نافرمان و سرکش باشد.

والدین باید به بچه کمک کنند که در فعالیتهای خوشایند و مناسب شرکت کند و الا بچه مطمئناً گرفتار شرارت و بعد ها مرتکب جرم خواهد شد. بچه را باید با درخواست انجام مسئولیتهای کوچک و با انتظار اطاعت از او تربیت کرد. بلافاصله پس از پاسخ مشتاقانه او، اطاعت سریع او را با ابراز قدردانی خود تقویت کنید و اگر بچه بلافاصله اطاعت نکرد والدین باید با درخواست و تادیب او پافشاری کنند. والا باعث تشویق نااطاعتی او خواهند شد. والدین باید بر جنگ اول غلبه پیدا کنند و الا کل جنگ را خواهد باخت. اما اگر بچه مردد است باید به او کمک کنند تا آن کار را به اتفاق آنها انجام دهد تا زمانیکه خودش به تنهایی قادر به انجام آن باشد.

(T) دو بچه را تربیت کنید که به والدین احترام بگذارد. ما قبلاً دو هفته پیش در مورد این موضوع گفتگو کردیم. لطفاً به یادداشتهای خود از برنامه والدین و اجداد مراجعه کنید.

(S) سوم بچه را تربیت کنید که با خدا راه برود. در تثبیه ۶ : ۶ - ۹ خدا به والدین تعلیم می دهد که افکار و زندگی فرزندانشان را تحت تاثیر فرامین خدا قرار دهند. او می گوید، "همیشه درباره آنها صحبت کنید خواه در خانه باشید خواه در بیرون خواه هنگام خواب باشد خواه اول صبح." والدین و فرزندانشان باید اجازه دهند که کلام خدا بر اعمال دستان آنها بر افکار ذهنشان و جو و فعالیتهای خانه مسلط باشد. در تثبیه ۳۲ : ۴۶ خدا تعلیم می دهد، "به سخنانی که امروز به شما گفتم توبه کنید و به فرزندان خود دستور دهید تا به دقت از تمام قوانین خدا اطاعت کند." خدا به والدین مسئولیت داده تا بچه هایشان را طوری تربیت کنند که خدا را بشناسند و از او اطاعت کنند. هیچ قدرت دولتی در دنیا حق ندارد که مانع این کار والدین شود. مهمترین کتابی که بچه ها باید در سرتاسر زندگیشان بخوانند کتاب مقدس است. کتاب مقدس به جوانان معرفت نجات را می بخشد (دوم تیموتائوس ۳ : ۱۵). کتاب مقدس به آنها حقیقت را تعلیم می دهد و به آنها یاد می دهد که چطور درست زندگی کنند (دوم تیموتائوس ۳ : ۱۶). کتاب مقدس از آنها انسانهایی بالغ و کامل می سازد و آنها را کاملاً برای دعوت یا خدمت شان در زندگی تجهیز می کند (دوم تیموتائوس ۳ : ۱۷). پس والدین باید به بچه ها آموزش دهند که کتاب مقدس را بخوانند و بررسی کنند و بخصوص از آن اطاعت کنند. والدین می توانند از تمام این روشها استفاده کنند. می توانند به طور خانوادگی وقتی را به کتاب مقدس بدهند. پدر یا مادر قسمتی از کتاب مقدس را می خوانند و با هم و به اتفاق بچه ها آن قسمت را به گفتگو می گذارند. آنها می توانند زمانی را به دعای خانوادگی اختصاص دهند (افسیان ۶ : ۱۸). می توانند با هم آیات کتاب مقدس را حفظ کنند. در مراحل مختلف تکامل بچه والدین باید انجیل را برای فرزندانشان توضیح دهند و به او فرصت بدهند که عیسی مسیح را در زندگیش بپذیرد. زمانیکه بچه ها به اندازه کافی بزرگ شدند والدین می توانند به بچه ها یاد بدهند که هر روز رازگهان داشته باشند. يك خانواده می توانند عیسی مسیح را در اطراف همسایگی خود خدمت کنند. والدین باید بچه ها را طوری تربیت کنند که در ایمانشان رشد کنند. والدین نباید بچه ها را از تجربیاتی که باید در آنها به خداوند اعتماد کنند محروم سازند و همچنین باید به آنها اجازه دهند که در تجربیات والدین که نیاز به اعتماد به خداوند دارد شریک شوند.

(T) چهار بچه ها را تربیت کنید که پرهیزگار باشند. دوم پطرس ۱ : ۵ - ۶ تعلیم می دهد، "علاوه بر ایمان به خصلتهای دیگری نیز نیاز دارید بلی باید سخت بکوشید که نیک باشید. پرهیزگاری توانایی است که يك شخص می تواند با آن مانع خواهش های خود شود و بر صحبت و اعمال خود مسلط شود. والدین باید طوری بچه را تربیت کنند که او بر خواهشها، سخنان و اعمال خود مسلط شود. والدین هرگز نباید اجازه دهند که بچه آنقدر غر بزند که به خواسته خود برسد اگر آنها چنین کنند بچه همیشه از این روش برای بدست آوردن آنچه می خواهد استفاده خواهد کرد. والدین باید از طرز برخورد آرام و متین خود با بچه، نمونه ای از خود به جا بگذارند. امثال ۱۰ : ۱۹ تعلیم می دهد، "پرحرفی انسان را به سوی گناه می کشاند. عاقل کسی است که زبانش را مهار کند." به همین صورت والدین باید فرزندانشان را طوری تربیت کنند که وقتی با دیگران صحبت می کنند همین شیوه آرام و متین را داشته باشند بخصوص وقتی عصبانی و پریشان هستند.

(S) پنج بچه ها را طوری تربیت کنید که مسئولیت داشته باشند. قسمتی از حمل یوغ در زمان بچگی (مراثی ۳ : ۲۷) این است که بچه طوری آموزش ببیند که مسئولیتی داشته باشد. به بچه مسئولیتهایی در خانه و خارج از خانه بدهید که روز به روز بیشتر شوند. برای مثال به او یاد بدهید که محل خواب و زندگی خود را پاک و تمیز نگاهدارد. به او اجازه بدهید که در مسئولیتهای خانه در مزرعه، در فروشگاه و در کار خانه شریک شود. به بچه یاد بدهید که نسبت به پول و

اموال مسئول باشد. به او یاد بدهید که مسافرت کند با جنس مخالف خود به شیوه ای صحیح ارتباط برقرار کند و در کلیسا مسئولیتی بپذیرد.

(T) چهارم. تربیت دارای چه مراحل است؟ تربیت دارای مراحل مختلفی است: سازنده ترین سالهای زندگی بچه بین صفر تا ۵ سالگی است و دوم بین شش و یازده سالگی است. در اینجا بررسی کوتاه و ممکن از چهار مرحله آن تا به سن یازده سالگی بچه وجود دارد.

اولین مرحله تربیت تا دو سالگی است. مهمترین دوره برای آموزش اطاعت است. در زمینه جسمی، بچه باید عاداتهای غذایی، مهارتهای حرکتی و صحبت کردن را بیاموزد.

دومین مرحله تربیت بین دو تا سه سالگی است. در این مرحله اغلب بچه ها والدین خود را امتحان می کنند تا ببینند که آنها تا چه حدودی می توانند پیش روند و تا چه قدر می توانند آنها را بپذیرند. این دوره از نظر آموزش نظم اهمیت دارد. والدین باید با تعیین تعریف دقیق از محدودیت ها به بچه احساس امنیت بدهند و در مواقعی که او از این محدودیتها تجاوز می کند همیشه او را تنبیه کنند. در زمینه عاطفی، بچه باید در مورد عکس العمل هایش و بخصوص پرهیزگاری آموزش ببیند. در طی این دوران بچه نیاز به امنیت و محبت بیشتری دارد و ترجیح می دهد که بیشتر با مادرش باشد.

مرحله سوم. تربیت بین سه و پنج سالگی است. زمان مهمی است که بچه تربیت شود که با خدا راه برود. به او انجیل را تعلیم بدهید، بسیاری از داستانهای کتاب مقدس را برایش بخوانید به او تعلیم دهید که آیات را حفظ کند، دعا کند و سرود بخواند.

به آموزش پرهیزگاری او در ابراز احساساتش ادامه دهید و بخصوص اینکه خشمش را به روشی درست ابراز کند. این دوره بخصوص از نظر آموزش مهارتهای اجتماعی مثل ملاقات مردم و دوستیابی در بین همسالان خود مهم است. آموزش مسئولیت پذیری را آغاز کنید برای مثال اسباب بازی هایش را جمع کند و در خانه کمک کند.

در زمینه عقلی، بچه همیشه می پرسد "چرا؟" والدین باید برای پاسخ دادن به سئوالات او وقت صرف کنند. و با اشاره به مسائلی در مورد زندگی، گیاهان و حیوانات رفتار یادگیری را ایجاد کنند. کتابهای خوبی برای بچه بخوانند و به او یاد بدهند سرود بخواند.

در زمینه جسمی، بچه نیاز دارد که یاد بگیرد بدن خود را پاکیزه نگه دارد.

(S) چهارمین مرحله تربیت بین شش و یازده سالگی است. در زمینه جسمی و اجتماعی بهترین زمان است که به بچه مهارتهای خانه داری، آموزش موسیقی و بازی های مسابقه ای و ورزشی را به بچه یاد داد. به بچه آموزش جنسی سالم بدهید و به او یاد بدهید از پول استفاده کند. بهترین زمان است برای اینکه بچه درکم کردن به دیگران دخالت کند. بهترین زمان است که فعالیتهای سنتی خانواده که خانواده را محکم به هم نگه می دارد ایجاد شوند.

داشتن جلسه خانوادگی منظم برای تصمیم گیری و برنامه ریزی فکر خوبی است. این جلسات به بچه کمک میکنند تا درک کند که چگونه تصمیمات گرفته میشوند و این خوب است که به بچه اجازه دهید تا تصمیم گرفته و برنامه ریزی کند. همچنین برای بازی خانوادگی، تفریح کردن با هم و یا ملاقات سایر مردم جلسات خانوادگی مرتب داشته باشید.

در زمینه عقلی، بهترین زمان است که بچه خواندن، جمع کردن و مسافرت کردن را دوست بدارد. پس او را تشویق کنید که کتابهای مناسب بخواند. او را تشویق کنید که چیزهای جالبی جمع کند. با هم وقت بگذارید که همراه با بچه به مناطقی بروید.

در زمینه عاطفی، ابراز احساسات بچه قویتر و همچنین پیچیده تر می شود. والدین نیاز دارند که پذیرش خود را نشان بدهند. مهم است که والدین با فرزندان خود پیوند محکمی از درك و محبت بسازند.

در زمینه روحانی، دوران مهمی از نظر ایجاد رابطه بین بچه و عیسی مسیح و مشارکت با سایر بچه های مسیحی است. خانواده باید با هم کتاب مقدس را بخوانند و در مورد آن گفتگو کنند و با هم دعا کنند. والدین باید بچه را برای تماس با بچه های غیر مسیحی آماده کنند. و بالاخره والدین احتیاج دارند فرزندانشان را در ارزشها و معیارهای رفتار مسیحی آموزش دهند.

(T) تکلیف برای هفته آینده

اول. به مردم در مورد تربیت بچه تعالیم کتاب مقدس را تعلیم دهید. مطمئن شوید که اساس تربیت شما بر اصول کتاب مقدس استوار است.

دوم. کتابهای دستور عمل "بروید و کلیسای مسیح را بنا کنید" را ملاحظه کرده و به آدرس اینترنتی www.dota.net مراجعه کنید.

سوم. هر شنبه تا چهارشنبه به برنامه "دوره شاگردسازی از رادیو" گوش کنید.